

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ  
وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

## (2- انفال)

مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا  
برده شود، دلهاشان ترسان می‌گردد؛ و هنگامی که  
آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزونتر  
می‌گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکل دارند





# الدَّرْسُ العَاشِرُ

المُعْجَم

آزمون لغت

زينة الباطن

فعل ماضى 5

بدانيم

كليب زير دريا

التَّمارين



برای دیدن کلیپ سنگ ماهی  
،کلیک کنید





با سلام و درود بر شما و آرزوی توفیق روز  
افزون ، امید است که این هدیه ناقابل بتواند  
در راستای یادگیری و یاد دهی کمی برای شما  
باشد.

لطفا قبل از استفاده ، به موارد زیر توجه  
کنید:

1-حتما فونتها را از وبلاگ دریافت و نصب  
نمایید

2- از آفیس 2010 یا 2013 به بالا استفاده  
نمایید .

د اور گیتی نور د دبیر دینی و عربی شهرستان سرا ب

سوال ، راهنمایی و بگیری  
[Dawargiti2.mihanblog.com](http://Dawargiti2.mihanblog.com)

با تشکر .



# الدَّرْسُ العَاشِرُ



فِي عُمُقِ البَحْرِ أَسْمَاكٌ جَمِيلَةٌ.

در عمق دریا ماهی های زیبایی وجود دارد



پندرہ ماہی





إِبْتِسَامٌ	جَمَالٌ	شَبَكَةٌ كَبِيرَةٌ	لَكِنَّةٌ	هَرَبَاتَا
بِابْتِسَامٍ	حَزِينٌ	عَلِمَ	لَكِنَّهُمْ	هَرَبُنَ
أَحَدٌ	خَافَ	عَلِمَ أَنَّ	لِأَنَّهَا	هُمْ
أَخَذُوهَا	خَافَتَا	عَلِمَنَّ	لِنَجَاتِهَا	مَلَابِسَهُمْ
إِلَيْهَا	خَافُوا	فَ	مِنْهَا	هُنَّ
أَنَّ	خَائِفٌ	فَرِحَنَّ	نَظَرَ	لِنَجَاتِهِنَّ
بَدَلٌ	سَمَكٌ «ج: أَسْمَاكُ»	قَبِيحٌ	نَظَرَنَّ	هُنَّ «جَمْعُ
جَاءَ	سَمَكَةٌ «ج: سَمَكَاتُ»	قَذَفَ	وَحِيدٌ	مَهْنُتٌ»
جَاؤُوا	سَمَكَةٌ حَجْرِيَّةٌ	قَذَفُوا	هَرَبَ	
جِدًّا	شَبَكَةٌ	قَذَفُوهَا		

بشئوید و تکرار

نَظَرْنَ: نگاه کردند	فَ: پس	خَافَ: ترسید	إِبْتِسَامَ: لبخند
وَحِيدٌ: تنها	فَرِحْنَ: خوشحال شدند	خَافَتَا: ترسیدند	بِإِبْتِسَامٍ: با لبخند
هَرَبَ: فرار کرد	قَبِيحٌ: زشت	خَافُوا: ترسیدند	أَحَدٌ: کسی
هَرَبَتَا: فرار کردند	قَذَفَ: انداخت	خَافُ: ترسیده ، ترسان	أَخَذُوهَا: او را گرفتند
هَرَبْنَ: فرار کردند	قَذَفُوا: انداختند	سَمَكٌ: ماهی «ج: أَسْمَاكُ»	إِلَيْهَا: به او
هُمٌ: شان ، آنها	قَذَفُوهَا: او را انداختند	سَمَكَةٌ: ماهی «ج: سَمَكَاتُ»	أَنَّ: که
مَلَابِسَهُمْ: لباس هایشان	لَكِنَّ: ولی	سَمَكَةٌ حَجْرِيَّةٌ: سنگ ماهی	بَلٌ: بلکه
هُنَّ ، هِنٌّ: شان ، آنها	لَكِنَّهُمْ: ولی آنها	شَبَكَةٌ: تور	جَاءَ: آمد
لِنَجَاتِهِنَّ: به خاطر نجاتشان	لِأَنَّهَا: زیرا او	شَبَكَةٌ كَبِيرَةٌ: تور بزرگی	جَاؤُوا: آمدند
هُنَّ: آنان، ایشان «جمع مؤنث»	لِنَجَاتِهَا: به خاطر نجات او	عَلِمَ: دانست	جِدًّا: بسیار
	مِنْهَا: از او	عَلِمَ أَنَّ: دانست که	جَمَالٌ: زیبایی
	نَظَرَ: نگاه کرد	عَلِمْنَ: دانستند	حَزِينٌ: غمگین



معنا	کلمه	معنا	کلمه
آمدند	جاؤوا	لبخند	اِبْتِسَام
بسیار	جداً	الذخیر	بِابْتِسَامٍ
زیبایی	جَمال	کسی	أَحَد
غمگین	حزین	او را گرفتند	أَخَذُوهَا
ترسید	کن	به او	إِلَيْهَا
ترسیدند		که	أَنَّ
ترسیدند		بلکه	بَلْ
ترسیده ، ترسان	خائف	آمد	جاءَ

# خودت را امتحان

## کن

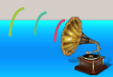
کلید space را از صفحه کلید بزنید تا پاسخ نمایان گردد



راهنم  
۱



معنا	کلمه	معنا	کلمه
پس	فَ	ماهی «جمع: أسماك»	سَمَك
خوشحال شدند	فَرِحَ	ماهی «جمع: سَمَكات»	سَمَكَةٌ
زشت	قَبِيحٌ	سنگ ماهی	سَمَكَةٌ حَجَرِيَّةٌ
انداخت	قَذَفَ	تور	شَبَكَةٌ
انداختند	قَذَفُوا	تور بزرگی	شَبَكَةٌ كَبِيرَةٌ
او را انداختند	قَذَفُوهَا	دانست	عَلِمَ
ولی	لَكِنَّ	دانست که	عَلِمَ أَنَّ
ولی آنها	لَكِنَّهُمْ	دانستند	عَلِمْنَ





معنا	کلمه	معنا	کلمه
فرار کردند	هَرَبْنَ	زیرا او	لِأَنَّهَا
– شان ، – آنها	– هُمْ	به خاطرِ نجات او	لِنَجَاتِهَا
لباسهایشان	مَلَابِسَهُمْ	از او	مِنْهَا
– شان ، – آنها ، – آن دو	– هُمَا	نگاه کرد	نَظَرَ
محصولشان	مَحْصُولَهُمَا	نگاه کردند	نَظَرْنَ
– شان ، – آنها	– هُنَّ ، – هُنَّ	تنها	وَحِيدٌ
به خاطرِ نجاتشان	لِنَجَاتِهِنَّ	فرار کرد	هَرَبَ
آنان ، ایشان «جمع مؤنث»	هُنَّ	فرار کردند	هَرَبَتَا

# زینة الباطن

كانت في بحر كبير سمكة قبيحة اسمها «السمكة الحجرية» و  
الأسماك خائفات منها.

هي ذهبت إلى سمكتين؛ السمكتان **خافتا** و **الكنه**  
**هربتا**.

هي كانت وحيدة دائماً.

في يوم من الأيام، خمسة من الصيادين **جاؤوا**. **فقدفوا** شبكة كبيرة في  
البحر.



در یک دور بر روی بزرگترین رودخانه، از شیخ و صید در کمپانی سیدها متورگسید روی بود و  
ماهی هر دو زویرا و زاکر انجمن سید بود.

برای مشاهده ی ترجمه ، روی گلهای کلیک کنید





الأسماك **وَقَعْنَ** فِي الشَّبَكَةِ. مَا جَاءَ أَحَدٌ لِيُ  
السَّمَكَةَ الْحَجْرِيَّةَ سَمِعَتْ أَصْوَاتَ الْأَسْمَاكِ. فَنَظَرَتْ إِلَى  
الشَّبَكَةِ فَخَرْنَبَتْ  
وَذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ. قَطَعَتْ شَبَكَةَ الصَّيَّادِينَ بِسُرْعَةٍ.  
الأسماكُ **خَرَجْنَ** وَ **هَرَبْنَ** جَمِيعًا.



سنگ ماهی صدای و مبله ای هنجارک شلیل هاپسفتگاه تکرید به تور و  
ماهی هلی هرا خورج افشیدندو بهمگسی فیرلی ککککنیا مد.  
صیادان نواراجت شعرت برید

برای مشاهده ی ترجمه ، روی ستاره ها کلیک کنید

# زِينَةُ الْبَاطِنِ

فَوَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ فِي الشَّبَكَةِ وَ الصَّيَّادُونَ أَخَذَوْهَا

كَانَتْ الْأَسْمَاكُ حَزِينَاتٍ؛ لِأَنَّ السَّمَكَةَ الْحَجْرِيَّةَ وَقَعَتْ فِي



الشَّبَكَةَ لِنَحَاتِهِنَّ إِلَى سَفِينَةِ الصَّيَّادِيْنَ

هُمُ أَخَذَوْهَا وَلَكِنَّهُمْ قَذَفَوْهَا فِي

ما هیها غمگینہ لو اوںہا ہی۔ ہزاروں تانبے کی شیشی می طہا آنہ انہا پرا طرد نہ جا بیت آنہا در سنگ ما ہی در نور افتاد و صیادان اور گرفتند۔  
تنگی وہ اکثر تندرست

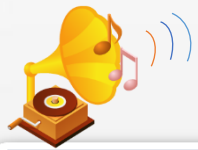
برای مشاهده ی ترجمه ، روی ستاره ها کلیک کنید



# زِينَةُ الْبَاطِنِ



لِأَنَّهَا كَانَتْ قَبِيحَةً جِدًّا فَخَافُوا  
مِنْهَا  
الْأَسْمَاكَ فَرِحْنَ لِنَجَاتِهَا وَ نَظَرْنَ  
إِلَيْهَا بِابْتِسَامٍ  
وُ عِلِمَنَّ أَنَّ جَمَالَ الْبَاطِنِ أَفْضَلُ مِنْ جَمَالِ  
الظَّاهِرِ



قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع) : «زِينَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ

الظَّاهِرِ» . ماهی ها عیون (چشمها) تفجیرت در کوه خورشید جلالی شد زبون و به شکر لبخند به او  
زیر آن بسیار رشت بود و آن ترسیدند  
زیندانی که با او آکاره نداشت

برای مشاهده ی ترجمه ، روی ستاره ها کلیک کنید



## فعل ماضی (5)



هُمَا

آنها نوشتند



هُنَّ نَظَرْنَ.

آنها ایستادند



هُمَا كَتَبَتَا

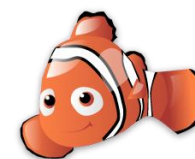
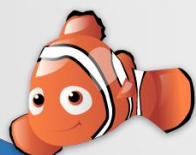
آنها نگاه کردند



هُم لَعِبُوا.

آنها بازی کردند

وَقَفَا



برای مشاهده ی ترجمه ، روی ماهی ها کلیک کنید



من انجام دادم

أنا فَعَلْتُ.

اوّل شخص مفرد

تو انجام دادی

أنتِ فَعَلْتِ.  
أنتِ فَعَلْتِ

دوّم شخص مفرد

او انجام داد

هُوَ فَعَلَ  
هِيَ فَعَلَتْ

سوّم شخص مفرد





ما انجام دادیم

نَحْنُ فَعَلْنَا

اوّل شخص جمع

شما انجام دادید

أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ  
أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ  
أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ

دوّم شخص جمع

ایشان انجام دادند

هُم فَعَلُوا  
هُنَّ فَعَلْنَ  
هُمَا فَعَلَا - فَعَلْنَا

سوّم شخص جمع





نَحْنُ جَلَسْنَا

أَنْتُمْ جَلَسْتُمْ  
أَنْتُنَّ جَلَسْتُنَّ

هُوَ جَلَسَ  
هِيَ جَلَسَتْ

أَنَا جَلَسْتُ

أَنْتَ جَلَسْتَ  
أَنْتِ جَلَسْتِ

هُمَا جَلَسَا - جَلَسَتَا  
هُمْ جَلَسُوا  
هُنَّ جَلَسْنَ

اِقْرَأُوا لِيَتَسَيَّرَ لَكُمْ  
الْمَسْئَلَةُ

برای مشاهده ی ترجمه ، روی عبارات کلیک کنید



# التَّمارِين

التَّمرِينُ الرَّابِعُ

التَّمرِينُ الثَّالِثُ

التَّمرِينُ الثَّانِي

التَّمرِينُ الأوَّلُ





التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟



1. كَانَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ وَحِيدَةً.



2. السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ ذَهَبَتْ لِنَجَاةِ



الْأَسْمَاكِ.



3. كَانَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ صَغِيرَةً وَ

برای مشاهده ی پاسخ، روی گزینه های زرد رنگ

کلیک کنید





التَّامِرِينَ الثَّانِي: با توجه به متن درس به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)



الصَّيَادُونَ

1. مَنْ قَذَفَ الشَّبَكَةَ فِي الْمَاءِ



خَمْسَةَ

2. كَمْ صَيَّاداً كَانَ فِي السَّفِينَةِ؟



فِي الشَّبَكَةِ

3. أَيْنَ وَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ؟



لَا

4. هَلْ زِينَةُ الظَّاهِرِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الْبَاطِنِ؟

برای مشاهده ی پاسخ ، روی علامت های سوال کلیک کنید



التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل های ماضی خط بکشید.

۱. الْأَطْفَالُ حَفِظُوا سُوْرَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ **کودکان دو سوره از قرآن را حفظ کردند**

۲. النِّسَاءُ وَقَفْنَ لِاسْتِقْبَالِ ضُيُوفِهِنَّ **زنان برای استقبال از مهمانهایشان ایستادند**

۳. الْفَلَّاحَتَانِ حَصَدَتَا مَحْصُولَهُمَا **دو کشاورز محصولشان را درو کردند**

۴. الْوَالِدَانِ لَبَسَا مَلَابِسَهُمَا **پسران لباسهایشان را پوشیدند**

برای مشاهده ی ترجمه ، روی مدادها ، و برای مشاهده ی فعل ماضی روی کلمات در داخل عبارات کلیک کنید

# التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ترجمه

کنید.

هَرَبَ: پسران فرار کردند

هُنَّ دَفَعْنَ: آنها پرداختند

دَفَعَ: پرداخت

آنها سالم ماندند

دانشی آموزان ندانستند

الْوَالِدَانِ هَرَبَا:

سَلِمَ: سالم مگودی افتاد

الطَّالِبَاتُ مَا عَايَنَ: شما انداختید

عَلِمَ: دانست

مردان کمک نکردند

آنها نگاه نکردند

هُنَّ سَلِمْنَ:

وَقَعَ: افتاد

شما عبور کردید

أَنْتُمْ قَذَفْتُمْ:

شما نبردید

قَذَفَ: انداخت

دختران یاد کردند

آن دو نزدند

الطِّفْلَةُ وَقَعَتْ:

نَصَرَ: یاری کرد

هُمْ مَا نَظَرُوا:

نَظَرَ: نگاه کرد

الرِّجَالُ مَا نَصَرُوا: برای مشاهده ی ترجمه ، روی عبارات کلیک کنید



أَنْتُمْ مَا قَطَعْتُمْ:

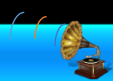




به پایان آمد این دفتر ، حکایت  
همچنان باقیست

<http://dawargiti2.mihanblog.com>

<http://dawargiti2.mihanblog.com/>



<http://dawargiti2.mihanblog.com/>